



در زبان فارسی است برای همین هم علی اصغر ترجمه برای ناشنوایان را در مراسم شب‌های قدر، سخت‌تر از سایر مراسم مذهبی می‌داند و ادامه می‌دهد: در این مراسم چاره‌ای ندارم جز اینکه ساده‌سازی کنم یعنی علی‌رغم اینکه واعظ از موضوع عبور می‌کند من مکتب بیشتری کنم و با توضیحات ساده‌تر مخاطب را با مراسم همراه سازم. بعضی از مخاطبان ناشنوا در مدرسه یا در جامعه به زبان اشاره مسلط شده‌اند، اما از آنجا که به تازگی ترجمه مراسم عزاداری برای ناشنوایان باب شده است، همچنان بسیاری از مفاهیم مذهبی را نمی‌دانند. اینکه مخاطب ناشنوا چطور این مفاهیم را درک کند به دقت مترجم وابسته است. همان کاری که علی اصغر در مراسم شب شهادت حضرت علی اکبر(ع) انجام داد و منقلب شدن مستمعین ناشنوا، متفاوت‌ترین مراسم عزاداری ماه محرم را رقم زد. روضه‌خوان به آن بخشی از روضه حضرت علی اکبر رسید که بدن فرزند برونمدا امام حسین(ع) از فرط حملات دشمن غرق شده بود.

علی اصغر با ایما و اشاره و حرکت لب‌ها این بخش از روضه را ترجمه کرد ولی به یک‌باره متوجه یکی از مخاطبان شد که از فرد کناری اش پرسید «اربا اریا» یعنی چی؟ علی اصغر که متوجه این صحنه شده بود می‌گوید: بلافاصله با حرکات دست گفتم: دشمن به قدری بر بدن فرزند جوان امام حسین(ع) نیزه و شمشیر زد که بدن او مثل تسبیح یاره‌ای شد که هر دانه آن یک طرف افتاده باشد. یک‌هوا آوای ناله مخاطبان ناشنوا بلند شد و با اشک بی‌امان‌شان مراسم آن شب را به یکی از متفاوت‌ترین مراسم عزاداری تبدیل کردند. علی اصغر می‌پرسد تا به حال پیش آمده که آرزو کنی مثل پدر و مادرت ناشنوا باشی؟ پاسخی عجیب و پراز مهر می‌دهد: «وقتی حتی از اقوام نزدیک می‌شنوم که نکس و محمود ناشنوا هستند و اگر دعوت‌شان نکنیم متوجه نمی‌شوند لدم می‌خواهد من هم ناشنوا بودم و حرف‌های‌شان را نمی‌شنیدم. گاهی هم به آرامشی که دارند غیظه می‌خورم.»

داریم، اعتماد به نفس بالایی دارند در محیط‌های کارشان با مشکلات کمتری فعالیت می‌کنند و خبری از انزوا و دور ماندن از جامعه نیست.

روضه سکوت

اینجا متفاوت‌ترین روضه و نوحه‌خوانی است که تا به حال دیده‌اید؛ مداح روضه می‌خواند و علی اصغر که کنارش ایستاده با حرکات دست حرف‌های او را ترجمه می‌کند. مستمعین در حالی که قطره‌های اشک گونه‌های‌شان را تر کرده با ایما و اشاره جواب نوحه‌خوان را می‌دهند و متفاوت‌ترین مراسم شب‌های قدر حرم مطهر امام رضا(ع) را رقم می‌زنند.

علی اصغر حال و هوای این مراسم را که حالا ۵ سال از شکل‌گیری آن می‌گذرد به شکلی دیگر روایت می‌کند: به واسطه ارتباط طولانی با جامعه ناشنوا به صراحت می‌گویم که آنها مصومیت خاصی دارند. هر کدام از ما که دل‌مان می‌گیرد و یا حتی می‌خواهیم برای چند ثانیه با خدا خلوت کنیم گوشه‌ای می‌نشینیم و زیر لب درد دل می‌کنیم ولی ناشنواها این توان را ندارند.

حالا تصور کنید وقتی همین افراد در مراسم عزاداری شب‌های احیا و یا ماه محرم شرکت می‌کنند و درحالی‌که با حرکات دست نوحه‌خوان را همراهی می‌کنند، اشک می‌ریزند. چطور می‌شود خلوص این مراسم را منکر شد؟ در این مراسم سخت‌ترین ترجمه عمر را تجربه می‌کنم برای اینکه با شنیدن متن نوحه منقلب می‌شوم، اما نباید این احساسات در چهره‌ام مشخص باشد تا بر فهم مخاطبی که چند سالی است به او توجه بیشتری شده و مراسم روضه‌خوانی برایش ترجمه می‌شود، تأثیر شخصی نگذارم.

یکی دیگر از چالش‌های ترجمه در این مراسم تطبیق عبارت‌های عربی

که در خیلی از خانواده‌ها وجود ندارد باعث شد به اینکه یک کدا هستم، افتخار کنم. برخلاف کسانی که معتقدند چه نیاز است ناشنوا از اتفاقات دور و برشان باخبر باشد، خودم را نسبت به ارتباط پدر و مادرم با جامعه اطراف‌شان مسئول می‌دانم و به واسطه شغلی که دارم همه موضوعات روز را برای‌شان تعریف می‌کنم. حتی فیلم و سریال‌هایی را که زیرنویس ندارد، سکانس به سکانس برای‌شان توضیح می‌دهم و به خاطره علاقه‌مندی مادرم، متن پرطرفدار می‌شود برای او می‌خوانم و او با لب‌خوانی متوجه آنها می‌شود. پدر و مادر من شاغل و در محیطی کار می‌کنند که اغلب همکاران‌شان شنوا هستند. جالب اینکه مثل اغلب ناشنوایان و شاید بهتر از آنها، حس بیانی و لامسه خیلی خوبی دارند و از آنجا که به واسطه مدل زندگی متفاوتی که



اینجا متفاوت‌ترین روضه و نوحه‌خوانی است که تا به حال دیده‌اید؛ مداح روضه می‌خواند و علی اصغر که کنارش ایستاده با حرکات دست حرف‌های او را ترجمه می‌کند.

مستمعین درحالی‌که قطره‌های اشک گونه‌های‌شان را تر کرده با ایما و اشاره جواب نوحه‌خوان را می‌دهند.

و حالا اخبار صدا و سیما یزد را برای ناشنوایان ترجمه می‌کند. علاوه بر این در بخش‌های مختلف فرهنگی، موضوعات را با زبان اشاره معنا می‌کند.

وقتی زبان والدینم شدم

یک تصادف مسیر زندگی او را عوض کرد. مسیری که باعث شد تا زبان پدر و مادرش باشد. علی اصغر از آن روز این گونه یاد می‌کند: «۵ سالم بود که با مادرم ترک موتور پدر نشسته بودیم و با یک راننده ناهوشیار تصادف کردیم. داخل جوی آب پرت شدیم. تصور کنید یک پدر و مادر ناشنوا بخواهند در این وضعیت دنبال فرزندشان بگردند. نمی‌توانستند کسی کمک بگیرند و نمی‌دانستند چطور پیدا کنیم. به هر ترتیبی بود من را به بیمارستان رساندند اما همان اتفاق نگاه و دنیای من را عوض کرد. جامعه به سمت یادگیری زبان اشاره نرفته بود و من باید پدر و مادرم را به جامعه وصل می‌کردم.»

اغلب اوقات از حرف دیگران می‌رنجید و از ترجمه اطرافیان آزرده می‌شد. همین رفتارها باعث می‌شد در دوره دبستان وقتی جلسه اولیا و مربیان تشکیل می‌شد از معلم می‌خواست موارد مطرح شده در جلسه را داخل یک برگه بنویسد تا پدر و مادرش برگه را بخوانند ولی به مدرسه نیاورد. اما کم‌کم شرایط تغییر کرد. پدر علی اصغر با همکاری‌های او دوست شد و با آنها فوتبال بازی می‌کرد. مادرش هم که دستی به کارهای هنری داشت نگاه اطرافیان را تغییر داد و به این ترتیب علی اصغر به جای انزوا و پنهان کردن واقعیت زندگی، تبدیل شد به زبان پدر و مادرش و به اینکه یک گدا بود، افتخار می‌کرد.

دلیل این احساس افتخار را شخصیت پدر و مادرش می‌داند: «از خودگذشتگی پدر و مادرم خیلی پررنگ است. اینکه به کسی وابسته نیستند و ازمن حمایت می‌کنند خیلی ارزشمند است. همیشه وقتی ناراحت هستم اولین کسی که ناراحتی را از چشم‌ان من می‌خواند مادرم است. دیدن مهر و تلاشی



روایت چشم‌ها و دست‌هایی که ایثار را به تصویر می‌کشند

زبان مادری ام اشاره است

دست‌های‌شان صحبت می‌کنند.

فریاد سکوت

کسانی مثل علی اصغر را که شنوا هستند اما والدین ناشنوا دارند «گدا» می‌نامند. اولین فرزند خانواده است. در ۴ سالگی نشانه‌های تفاوت پدر و مادرش را با بقیه فهمید؛ بیشتر از بقیه دست‌های‌شان را تکان می‌دادند و با ایما و اشاره صحبت می‌کردند. در جمع خانواده پدری دست‌ها سخن نمی‌گفت، اما در خانواده مادری همه با ایما و اشاره صحبت می‌کردند و حضور در این جمع برای علی اصغر جذاب‌تر بود و هست.

از او که می‌پرسد زبان مادری‌ات زبان اشاره است یا فارسی بدون مکتب می‌گوید زبان اشاره. از همان کودکی تا زمانی که جامعه ناشنوایان را شناخت با این زبان خو گرفت

گزارش

«مشترک مورد نظر ناشنواست؛ لطفا پیامک دهید.» فقط برای چند ثانیه به این جمله ساده فکر کنید: می‌توانید در دنیای بدون صدا زندگی کنید یا هیاهوی زندگی را می‌پسندید؟ اغلب ناشنوایان قدرت انتخاب نداشته‌اند، دنیای آنها را سکوت پر کرده و هیچ تصویری از صدا ندارند، با دست‌های‌شان سخن می‌گویند و حرف‌ها و حس و عشق را از چشم‌ها می‌خوانند. دنیای آنها پر از ناگفته‌هایی است که شاید نتوانند به کلام بیاورند اما جان کلام را با انگشتان و چشم‌های‌شان بیان می‌کنند.

پدر و مادر روبه‌رویش نشسته‌اند و با دست‌های‌شان با او صحبت می‌کنند. این دورترین خاطره‌ای است که علی اصغر عزیز پور یکی از بهترین مترجمان ناشنوایان ایران از دوران کودکی به یاد می‌آورد. این صحنه در سال‌های اول زندگی‌اش بارها تکرار شد و او که برخلاف پدر و مادرش توان شنیدن و

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

یک جدول با دو شرح

۸۵۶۶

جدول ویژه شماره ۸۵۶۶

۱- کلمه تصدیق - وسیله توزین - بیل قایق!
۲- گیاهی - رنگ آرامش - نیزه کوتاه
۳- گلی - مطهر - مرض معده و روده - شتر بارکش
۴- دختر کارزونی - فرماندهان - سفارش متوفی
۵- یکی از ضامیر شخصی پیوسته - نوعی هیوندای - فلاکت - خمیدگی کاغذ
۶- پایه - خبر خوش - یاد کشنده - دو تا لاف
۷- پانگ اسب - همین دم - وسط
۸- سمت - دوقلو - جنگ و جدال
۹- پشتیبانی - قرارگرفته - امر مشکل
۱۰- پیچ پیچ - شهری در ۳۰ کیلومتری شرق تهران - نامی برای خانم‌ها
۱۱- حکم - فلسفه الهی - وخامت امر
۱۲- میوه مربا! - قله - اهمال و تأخیر - خیس
۱۳- مجموعه‌ای از سلولها - تپه کوچک - نژادی سفیدپوست
۱۴- کشیدگی - طول - شعبه‌ای از موسیقی - اپرای «جوزیه وردی»
۱۵- ویژگی آنچه ابتدا نداشته و همیشه بوده و خواهد بود - راست و بدون خمیدگی - بعد از موعده کارنوگرافی - سریال در حال پخش شبکه سوم با حضور پیمان بازی

عمودی:
۱- خودروهای کراس‌اوور - لوگو با آرم
۲- مساوی - سد - نمعه

جدول عادی

۱- شک و دودلی - گذران زندگی
۲- ضمیر اشاره برای نزدیک - برنده نیست! - فدراسیون جهانی شنا
۳- حضور داشتن - انگیر - بعد از سوم!
۴- غذای ظهر - مروراید - هانف غیبی
۵- پایه - خبر خوش - یاد کشنده - دو تا لاف
۶- پانگ اسب - همین دم - وسط
۷- سمت - دوقلو - جنگ و جدال
۸- پشتیبانی - قرارگرفته - امر مشکل
۹- پیچ پیچ - شهری در ۳۰ کیلومتری شرق تهران - نامی برای خانم‌ها
۱۰- حکم - فلسفه الهی - وخامت امر
۱۱- میوه مربا! - قله - اهمال و تأخیر - خیس
۱۲- مجموعه‌ای از سلولها - تپه کوچک - نژادی سفیدپوست
۱۳- کشیدگی - طول - شعبه‌ای از موسیقی - اپرای «جوزیه وردی»
۱۴- ویژگی آنچه ابتدا نداشته و همیشه بوده و خواهد بود - راست و بدون خمیدگی - بعد از موعده کارنوگرافی - سریال در حال پخش شبکه سوم با حضور پیمان بازی

عمودی:
۱- نوزانی - آیین و رسمی قبل از عروسی
۲- ساقه خوراکی ترش و شیرین - کاسه سر با هشت استخوان - روزی
۳- وجه مشترک انسان و خودرو! - چیزی که روی آب حرکت کند - متکا
۴- کشوری در قاره سیاه - از لوازم اداری
۵- خرس فلکی - عبور منظم سربازان - اولین حرف یونانی
۶- نوشیدنی گوارا - واحد زمان - تحت فرمان ارباب بود
۷- زنجور - گفته شده - چه بسیار
۸- انکار کننده - استادبوم تهران - عنوان
۹- صف - گردنده آسمانی - برخورد
۱۰- نفس دردمند - خودرو ملی - گونه - حرف زمین شوی!
۱۱- چین و شکن و خطوط پارچه - مصیبت، آفت - روحانی زرتشتی
۱۲- مقصود، معنی - چاشنی تند
۱۳- خوشگذران - همسر دار، عیالوار - بانوی انگلیسی
۱۴- مارگی بر گوشه - شاه خونخوار قوم هون - تربیت نمودن
۱۵- میمون بزرگ باهوش - فک

جدول ویژه شماره ۸۵۶۶

۱- از آفات کندم - فیلم فریدون جیرانی
۲- موقع تعجب می‌خورند - نقوش قالی - درختچه‌ای کند رشد
۳- یکی از بخش‌های اوستا - پیشین - خندان و تپاشاش
۴- فیلیعی به کارگردانی «برایان گیلبرت» - یازده! - میوه کرکدار
۵- تاقسی در کشویی - دیوانگی - کار سرسری - الهه موسیقی
۶- شناوری که قابل حمل توسط کشتی باشد - کتابی از «مربلین رابینسون» - لای جامه

جدول عادی شماره ۸۵۶۶

۱- نوزانی - آیین و رسمی قبل از عروسی
۲- ساقه خوراکی ترش و شیرین - کاسه سر با هشت استخوان - روزی
۳- وجه مشترک انسان و خودرو! - چیزی که روی آب حرکت کند - متکا
۴- کشوری در قاره سیاه - از لوازم اداری
۵- خرس فلکی - عبور منظم سربازان - اولین حرف یونانی
۶- نوشیدنی گوارا - واحد زمان - تحت فرمان ارباب بود
۷- زنجور - گفته شده - چه بسیار
۸- انکار کننده - استادبوم تهران - عنوان
۹- صف - گردنده آسمانی - برخورد
۱۰- نفس دردمند - خودرو ملی - گونه - حرف زمین شوی!
۱۱- چین و شکن و خطوط پارچه - مصیبت، آفت - روحانی زرتشتی
۱۲- مقصود، معنی - چاشنی تند
۱۳- خوشگذران - همسر دار، عیالوار - بانوی انگلیسی
۱۴- مارگی بر گوشه - شاه خونخوار قوم هون - تربیت نمودن
۱۵- میمون بزرگ باهوش - فک

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

جدول سودوکو

۴۵۹۵

آسان

۷	۹	۲	۸	۵	۳	۶	۱	۴
۳	۴	۸	۶	۱	۷	۲	۵	۹
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴

خیلی سخت

۹	۲	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۳	۴	۸	۶	۱	۷	۲	۵	۹
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴

حل جدول سودوکو شماره ۸۵۶۶

۷	۹	۲	۸	۵	۳	۶	۱	۴
۳	۴	۸	۶	۱	۷	۲	۵	۹
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴
۲	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۹	۱	۸	۳	۷	۲	۵	۶	۴